

روشنگر قهاری*

آلبرت خروموف و میخائیل اندری اف، دو ایران‌شناس برجسته

آلبرت خروموف

آلبرت لئونیدوویچ خروموف (Алберт Леонидович Хромов) در سال ۱۹۳۰ در شهر نوگراد (Новгород) روسیه دیده به جهان گشود. در سال ۱۹۵۴م. دانشگاه دولتی لامنوسوف (Ломоносов) شهر مسکو را به پایان رسانده، به شهر دوشنبه می‌آید، با دختر ساتم‌الغزاده ازدواج می‌کند و تمام عمر خود را به پژوهش در گروه زبانهای ایرانی وقف می‌نماید.

در سالهای ۱۹۵۴-۱۹۶۴م. وی به عنوان کارمند علمی پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی آکادمی علوم تاجیکستان و از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸م. مدیر کرسی زبانهای خارجی دانشگاه دولتی تاجیکستان به کار مشغول بود. او در سال ۱۹۷۰م. از رسالهٔ دکتری خود دفاع می‌کند و تا سال ۱۹۸۱ به عنوان مدیر و استاد کرسی زبان فارسی دانشگاه مذکور کار کرده است. وی از سال ۱۹۸۱ تا آخر عمر کارمند ارشد علمی پژوهشگاه شرق‌شناسی آکادمی علوم تاجیکستان بود.

آلبرت خروموف یکی از محققان مشهور گروه زبانهای ایرانی در کل اتحاد شوروی و جهان به شمار می‌رفت و تا به امروز مقالات و رساله‌های وی، محل رجوع بسیاری از صاحب‌نظران این رشته می‌باشد. عمده فعالیت‌های خروموف، پژوهش زبانها

* پژوهشگر

و گویشهای ایرانی، از جمله یغناپی، سغدی، زبانها و گویشهای پامیر، زبانهای شرقی ایرانی، گویشهای تاجیکی، زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی، اسامی خاص تاریخی و جغرافیایی، فرهنگ مردمی و امثال اینها بود. وی «کتاب النفس» ابن سینا را از عربی به روسی ترجمه کرد و با توضیحات مفصل به نشر رسانده است.

راجع به فعالیت‌های علمی و به خصوص لهجه‌شناسی او، محققان ابراز نظرهای گوناگون نموده‌اند و ارزش کارهای خروموف را یادآور شده‌اند. از جمله ا. یونساف و ش. حیدراف در مقدمه کتاب‌شناسی خود با عنوان «آلبرت لئونیداوویچ خروموف» راجع به روزگار و آثار ایشان مطالب سودمندی ارائه کرده‌اند.

یکی از پژوهشهای مفصل و ارزشمند او در زمینه لهجه مردم مستچاه می‌باشد که از جانب پژوهندگان کم‌نظیر ارزیابی شده است. این رساله با عنوان «لهجه‌های تاجیکان ناحیه مستچاه» (۱۹۶۲ م.) و راهنمایی پروفیسور ویره راستارگویوا (Вера Растаргуева)، بسیار دقیق و بر اساس تحقیق میدانی گردآوری و تألیف شده است. در این باره خانم راستارگویوا چنین اظهار نظر کرده است: «تا تألیف رساله آلبرت خروموف اثری که همه‌جانبه لهجه‌های وادی ساحل دریای زرافشان و منطقه‌های بالای آن را در بر گرفته باشد، وجود نداشت، فقط برخی اشاره‌های پراکنده در اثرهای ا. ا. سیمیانوف و میخائیل اندریاف موجود بود. حال آن که این لهجه‌ها برای لهجه‌شناسان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، زیرا گویشوران این لهجه‌ها در اماکنی سکونت دارند که از دیگر منطقه‌های تاجیکستان با کوههای بلند جدا شده، ساختار مخصوص زیادی را در خود نگاه داشته‌اند که از دیگر لهجه‌های تاجیکی تفاوت دارند. گوناگون‌رنگی آنها باز به آن وابسته بود که این لهجه‌ها در گذشته در یک شرایط تاریخی جداگانه قرار داشتند. در پژوهش آلبرت

خروموف چندین ویژگی خاص این لهجه‌ها آشکار شد (از جمله، ویژگی‌های آوایی) که این کار می‌تواند اساسی برای جدا کردن این گروه لهجه‌ها از نظر نظام آوایی با دیگر لهجه‌های تاجیکی باشد. لهجهٔ مستچاه در زبان‌شناسی بویژه از آن جهت می‌تواند جالب باشد که در آن نشانه‌هایی از زبان سغدی به نظر می‌رسد» [نک: یونساف، حیدراف ۱۹۸۳، ص. ۸].

خروموف را به عنوان دانندهٔ زبانهای زیاد، شخصی فرهنگ‌پرور و عالمی دانا می‌شناختند. آلبرت خروموف از دانشی گسترده برخوردار بود. راجع به رشته‌های گوناگون اطلاع کامل داشت. ارزش تاریخی و فرهنگی ملت‌های شرق را خوب می‌دانست. خروموف نه فقط به پژوهش در زمینهٔ زبانها و لهجه‌های ایرانی، بلکه در آثار خود به بررسی مسئله‌های تاریخ گروه زبانهای ایرانی و همچنین به وضع امروزه این زبانها نیز توجه می‌نمود.

اگر نوشته‌های خروموف را تورق کنیم، خواهیم دید که او تقریباً در تمام بخشهای فیلولوژی ایرانی دستی داشته، یا ابراز نظر نموده است. از نوشته‌ها و مواد گردآوری شدهٔ پروفیسور خروموف معلوم می‌شود که او به مواد مردم‌شناسی و فلکلوری بیشتر همچون سند علمی نظر داشته و همیشه در آثار خود تا حد امکان به آنها استناد نموده است. عالم معروف در مقاله‌های خود چه در مطبوعات و چه در مجموعه‌های علمی، همیشه دقت اهل نظر را به بررسی متنهای فولکلوری معطوف کرده است. مثلاً، در اثرهای «لطف‌الله بزرگزاده - احوال و آثار» (۱۹۴۸)، «واژه‌نامهٔ اصطلاحات زبان معاصر» (۱۹۶۵)، «افسانه‌های تاجیکی در دانمارک» (۱۹۶۵)، «دوبیتی‌ها و رباعیهای یغناپی» (۱۹۶۶)، «مسئلهٔ فولکلور یغناپ» (۱۹۶۷)، «سرود شیراز» (۱۹۷۰)، «افسانه‌های تاجیکی در مجارستان» (۱۹۷۰)، «در بارهٔ روزنامهٔ سفر

اسکندر کول» (۱۹۷۲)، «اصول رباعی» (۱۹۷۴) و مانند اینها، مسئله‌های مختلف زبان و فرهنگ مردم را مورد تحلیل و تحقیق قرار داده است.

او در مقاله خود «پیرامون اسامی خاص جغرافیایی تاجیکستان» (۱۹۶۸) ماهیت سفرهای علمی میدانی را مخصوصاً تأکید نموده، در کنار دیگر متنها، اهمیت اثرهای فولکلوری را در نظر داشته، چنین می‌نویسد: «مواد کارهای میدانی لهجه‌شناسی، مردم‌شناسی و فولکلوری در اکثر موارد عبارت است از روایات و نقلهای مردم بومی در باره پیدایش یک مکان یا شخصیت‌های تاریخی آن محل. این نقلها و روایات اگر چه غیرعادی هستند، ولی گاهی مضمون و محتوای جذاب دارند. این گونه متنها را می‌توان متن فولکلوری نامید. از این رو ممکن است راجع به مسئله «اسامی خاص جغرافیایی و فولکلور» نیز اندیشه نمود.»

از دیگر تخصصهای اساسی خروموف، زبانهای یغنانی و سغدی است. او سالهای طولانی مشغول پژوهش زبانهای سغدی و یغناپی بوده است. خروموف چند بار به یغناپ سفر علمی داشته است. بار اول در سال ۱۹۶۳ به این منطقه سفر کرده، به مدت حدود دو ماه از روستاهای کنسی، وارسائوت، خشارتاب، مواد زیادی گردآوری می‌کند. بار دوم، سال ۱۹۶۴ وی تقریباً به همه روستاهای یغناپ‌نشین منطقه، از جمله مرغتومی، مُشتیف، شاخسره، گرمین، ساکن، و غینزی، دیه‌بلند و غیره رفته و مواد بیشتری گردآوری می‌کند.

حاصل تحقیقات و مشاهددهای علمی خروموف رساله‌ای است با نام «زبان یغناپی» که در سال ۱۹۷۲ به زبان روسی نشر کرد. وی در این رساله، ضمن تشریح دقیق نظام واجی، دستگاه آوایی، صرف و نحو و به طور کلی دستور زبان یغناپی، این زبان را به سه گروه شرقی، آمیخته و تقسیم نموده است. مؤلف در باره هر یک از

لهجه‌های هر روستا، گزارشی دقیق ارائه می‌دهد. این رساله تحقیقی، توجه ایران‌شناسان جهان را بسیار به خود جلب نمود، زیرا در حوزه سغدشناسی، زبان یغنانی، تنها بازمانده و وارث زبان سغدی محسوب می‌گردد.

پروفسور آلبرت خروموف نه تنها به ساختارهای دستوری زبان یغنانی به صورت موشکافانه دقت می‌کرد، بلکه به عرف و عادت مردم نیز توجهی ویژه داشت. مراسم عروسی، کشت و کار، بازیهای کودکان و بزرگسالان، مراسم پیشواز از نوروز، پخت و پز، نان‌پزی، انواع غذاها، مراسم سوگواری، اصطلاحات کشاورزی و دامداری، اعتقادات، داستانهای عامیانه، ضرب‌المثلها و امثال اینها نکات جالبی بودند که توجه این محقق را به خود جلب نموده بود. از این رو، در نوشته‌های وی نمونه‌های زیادی از این نوع دیده می‌شود که در آن سالها رایج بود و امروز یا کمتر دیده می‌شود و یا کاملاً از بین رفته‌اند.

متأسفانه مرگ مجالی به این محقق برجسته نداد تا بسیاری از مواد ارزشمند خود را به چاپ برساند. اما این اسناد هنوز هم به عنوان بهترین نمونه‌های تحقیقی در این زمینه به شمار می‌روند.

پروفسور آلبرت خروموف سال ۱۹۸۷ میلادی در شهر دوشنبه دیده از جهان

فرو بست.

برخی از آثار آلبرت خروموف

1. Хромов А.Л. О некоторых словах языка эпохи Рудаки сохранившихся в таджикских говорах верховьев Зеравшена / Рудаки и его эпоха. Сталинабад, 1953, с.222-226.
2. Хромов А. Л. Лутфулло Бузургзода ва фаъолияти илмӣ-адабии ӯ // Шарки сурх, 1958, № 2, с. 107-109.
3. Хромов А.Л. Говоры таджиков Матчинского района. Душанбе, 1962.
4. Хромов А.Л. Некоторые результаты экспедиции в Ягноб // Изв. АН Тадж. ССР. Отд-ние обществ. наук, 1964, № 2 (37), с. 89-94.
5. Хромов А.Л. Согдийского слова в говорах таджикского языка // Изв. АН Тадж. ССР. Отд-ние обществ. наук, 1965, № 3, с. 44-47.
6. Хромов А. Л. Ягнобские тексты. II (Материалы по исторической этнографии ягнобцев) // Изв. АН Тадж. ССР. Отд-ние обществ. наук, 1966, № 1 (43), с. 61.
7. Хромов А. Л. Фарҳанги ибораҳои рехтаи забони ҳозираи тоҷик // Изв. АН Тадж. ССР. Отд-ние обществ. наук, 1965, № 2 (40), с. 102-103.
8. Хромов А. Таджикская сказка в Дании // Коммунист Таджикистана, 1965, 14 апрель.
9. Хромов А. Л. Немецкая сказка о таджикском ослике // Коммунист таджикстана, 1965, 20 мая.
10. Хромов А. Л. Байту рубоҳои Ягноб // Садои Шарк, 1966, № 5, с. 155-157.
11. Khromov A. L. The Problem of the Yagnobi Folklore // Yadname-ye Jan Rypka. Prague, 1967, pp. 255-260.
12. Хромов А. Л. Некоторые проблемы топонимического исследования Таджикистана // Изв. АН Тадж. ССР. Отд-ние обществ. наук, 1968, № 1 (51), с. 71.
13. Хромов А. Л. Песни Ширази // Памир, 1970, № 6, с. 91-92.
14. Хромов А. Л. Таджикские сказки в Венгрии // Вечерный Душанбе, 1970, 3 апреля.
15. Хромов А.Л. Историко-лингвистическое исследование Ягноба и Верхнего Зеравшана. Душанбе, 1970.
16. Хромов А. Л. Ягонбский язык. М.: Гл. ред. вост. лит-ры, 1972.
17. Хромов А. Л. О дневнике Искандеркульской экспедиции // Изв. АН Тадж. ССР. Отд-ние обществ. наук, 1972, № 2 (68), с. 72-76.
18. Хромов А. Л. Кибирнетика и рубои // Коммунист Таджикистана, 1974, 14 июня.
19. Хромов А.Л. Очерки по топонимии и микропонимии Таджикистана. В.1. Душанбе, 1975.
20. Хромов А.Л., Лившиц В.А. Согдийский язык // Основы иранского языкознания. Среднеиранские языки. М., 1981.
21. Юнусов А., Хайдаров Ш. Альберт Леонидович Хромов (Библиография). Душанбе, 1983.

میخائیل اندری اف:

یکی از شخصیت‌های برجسته ایران‌شناسی روس که تمام عمر خویش را به پژوهش در زمینه زبان، تاریخ و فرهنگ مردم تاجیک و ایرانی وقف کرد، میخائیل استپانویچ اندری اف (Михаил Степанович Андреев) می‌باشد.

پدر وی استپان میتروفانویچ اندری اف (Степан Митрофанович Андреев) در سن ۱۴ سالگی به خدمت یکی از تاجران شهر آرینبورگ (Оренбург) در می‌آید. این تاجر وی را با کاروان خود به آسیای مرکزی می‌برد. استپان در طول سفرهای زیاد خود در این منطقه، ابتدا با رسم و آیین های قوم قزاق و بعدها ملت های دیگر منطقه آشنا می‌شود. دست تقدیر باعث می‌شود که استپان با خانواده این تاجر پیوند خورد. حاصل این وصلت، پسری به نام میخائیل بود که در سال ۱۸۷۳م. در شهر تاشکند به دنیا آمد.

میخائیل اندری اف در یکی از مدارس ابتدایی شهر تاشکند به مدت شش سال تحصیل می‌کند. از سالهای خردسالی زبان های ملت های آسیای مرکزی دقت او را به خود جلب می‌نمایند. همین ذوق و شوق باعث می‌شود که در سال ۱۸۸۹م. به آموزشگاه تربیت معلم ترکستان وارد شود. در آن سال ها این مؤسسه تعلیمی در تاشکند یگانه آموزشگاهی بود که در آن زبانهای فارسی و ازبکی تعلیم داده می‌شد. زمانی که او در این آموزشگاه تعلیم می‌دید، از طریق دوستانش، به مدرسه ایشان‌قل دادخدا که در بخش شهر کهنه تاشکند بود، نیز راه می‌یابد. در همین مدرسه وی با زبان های فارسی، عربی، ترکی و همچنین رسم و آیینهای مردمی بیشتر آشنا می‌شود. میخائیل در حین تحصیل در آموزشگاه مذکور، بیمار می‌شود. طبیبان به پدرش پیشنهاد می‌کنند که در موسم تابستان او را به کوه فرستد. پدر او را به شهر

چمکینت فرستاد. این سفر برای میخائیل جوان کارساز می‌شود. وی نه تنها از بیماری رها می‌شود، بلکه زبان قرقیزی را نیز در همان جا فرا می‌گیرد. این بود که هر تابستان میخائیل به سفر رفته، با منطقه‌های خجند، فرغانه، فلغر، مستچاه و جاهای دیگر آشنا می‌گشت.

میخائیل اندریاف پس از ختم آموزشگاه، از سال ۱۸۹۳م. به پژوهش مشغول می‌گردد و در همین سال، نخستین مقاله خود را با عنوان «مکانی در وادی انگرین، مشاهدات جالب باستان‌شناسی» (۱۸۹۳م.) و سپس در سال ۱۸۹۵م. مقاله‌ای دیگر با نام «بازمانده‌های آیینهای پرستشی در میان مردم بومی» به چاپ می‌رساند. در سال ۱۸۹۴ م. اندریاف در همان آموزشگاه تربیت معلم شهر تاشکند که تحصیل کرده بود، برای امر تدریس دعوت می‌شود.

در سال ۱۸۹۶م. کارمند مخصوص وزارت امور داخلی روسیه ا.ا.پالاسیف (A.A.Половцев) به شهر تاشکند می‌آید که بعدها در سرنوشت اندریاف مؤثر واقع می‌شود. م. اندریاف چندین سال به عنوان مترجم و ویرستار در قفقاز ایفای وظیفه می‌نماید. پس از مدتی به سن پترزبورگ رفته، با ایران‌شناسان و ترک‌شناسان مشهور آن زمان س.ف. آلدینبورگ (С.Ф.Олденбург)، و.و.ردولف (В.В.Радолв)، ک.گ.زالمن (К.Г.Залеман) آشنا می‌شود و با آنها در زمینه قرائت متنهای ادبی و لهجه‌شناسی همکاری می‌کند.

در سال ۱۸۹۸م. به عنوان مترجم به گروه تحقیق غارهای بودایی دعوت می‌شود. این سفر از طریق سیبری به سمت مغولستان، اورومچی، تورفان، لوچکن و منطقه‌های دیگر بود. در همین سفر در اورومچی، او لغتنامه مختصر زبان کاندچوت (кандчут) را تهیه می‌نماید. در اواخر سالهای ۱۸۹۸ و ۱۸۹۹م. اندریاف با

پاولفسوف (Павловсов) به پاریس می‌رود.

در اوایل سده بیست میلادی زندگی وی گاه در تاشکند و گاه در سن‌پترزبورگ می‌گذشت. از سن‌پترزبورگ زالمن به او سفارش می‌داد که به گردآوری مواد لهجه‌ای و رسم و آیینهای تاجیکان کوهستان به خصوص پامیر مشغول شود. اندریاف صمیمانه به این کار دل می‌بندد. هر کارگر، مسافر، تاجر و هر شخصی که از منطقه پامیر و اطراف آن به وادی فرغانه و تاشکند می‌آمد، با او صحبت می‌کرد و از خلال گفته‌های آنان مواد خود را استخراج می‌کرد.

در سال ۱۹۲۵ م. مؤسسه‌ای به نام «جمعیت (مؤسسه) آموزش (تحقیق) تاجیکستان و خلق‌های ایرانی خارج از آن» تشکیل می‌شود که اندریاف یکی از مؤسسان و اعضای فعال آن بود. هدف این مؤسسه تحقیق گسترده در زمینه تاریخ، فرهنگ، زبان و تمدن تاجیکان و اقوام ایرانی بود. فرهنگ، زبان، جغرافیای منطقه، آثار باستان‌شناسی، هنر، موسیقی، معماری، فلسفه، تاریخ، اقتصاد و غیره، از حوزه‌های مهم تحقیقاتی این مؤسسه به شمار می‌رفت. نقش اندریاف در جذب پژوهشگران معروف به این مؤسسه قابل تقدیر است. در سال ۱۹۲۵، با تلاش این مؤسسه کتابی با عنوان «تاجیکستان» به نشر رسید که در این مجموعه، مقاله‌ای نیز از اندریاف با نام «مختصری در شناسایی قوم تاجیک» جای دارد.

در این مقاله، وی پیش از همه راجع به واژه «تاجیک»، معنا و مفهوم آن، بودباش تاریخی و محل جغرافیایی این قوم را توضیح، تشریح و بیان می‌دارد. وی همچنین به فرهنگ، رسم و آیینها و شیوه زیست و به دیگر ویژگیهای این قوم می‌پردازد. خانواده و مناسبت زن و مرد، جایگاه زن در حیات مادی و معنوی تاجیکان یکی دیگر از محورهای مقاله اندریاف است.

دین اسلام به عنوان یکی از ارکان معنوی مردم تاجیک، از دیگر موضوعهای مورد بررسی وی در مقاله مذکور است. اندریاف همچنین میراث و بقایای وجود دینهای باستانی در جامعه تاجیکان را تحلیل می‌کند.

در سالهای درگیری شوروی در جنگ جهانی دوم (۱۹۴۱-۱۹۴۵م.) و مدت‌ها بعد از آن، کارهای تحقیقاتی نیز به کلی تعطیل یا بسیار کم صورت می‌گرفت. اما این امر در مورد اندریاف مصداق ندارد. وی زمانی که در تاشکند بود، به گردآوری موادی در زمینه معماری مشغول گردید. در شهر کهنه تاشکند، او به دقت عمارتهای کهنه و بویژه مساجد را از نزدیک ارزیابی می‌کرد و به یاری هنرمندان و معماران محلی اطلاعات جامعی از وضعیت بناهای تاریخی به دست آورد. فقط تصویرهای منحصر به فردی که وی از این بناهای تاریخی آن زمان تاشکند فراهم کرد، امروزه از ارزش زیادی برخوردارند.

در سال ۱۹۴۲م. از جانب شعبه تاجیکستانی انستیتو تاریخ، زبان و ادبیات آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، به اندریاف برای تحقیق میدانی در مناطق پامیر و بویژه وادی خوف، پیشنهاد سفر داده می‌شود. این کار میدانی در سال ۱۹۴۳م. صورت می‌گیرد که در آن سال پژوهنده ۷۰ سال عمر داشت و با این که او بیمار بود، اما این پیشنهاد را پذیرفت. اندریاف در این سفر مواد باارزشی گردآوری نمود که بخش اعظم این مواد پس از مرگ او در تألیف کتاب دوجلدی «تاجیکان وادی خوف» استفاده شده است.

اندریاف در سال ۱۹۴۷م. به شهر استالین‌آباد (دوشنبه) می‌آید و در شعبه تاجیکستانی انستیتو تاریخ، زبان و ادبیات آکادمی علوم اتحاد شوروی به کار مشغول می‌شود. او در اینجا جوانان مستعدی، از جمله نظام نورجاناف و م. رحیم‌اف را که بعدها از محققین سرشناس تاجیک می‌گردند، تربیت می‌کند.

از میخائیل اندریاف مقاله‌ها و کتابهای زیادی در زمینهٔ لهجه‌شناسی، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، جغرافی، تاریخ، هنر، معماری، موسیقی محلی، باقی مانده است. یکی از اثرهای بسیار مهم و دقیق اندریاف که پس از فوت ایشان در دو جلد نشر گردید، کتاب «تاجیکان وادی خوف» می‌باشد که جلد اول آن سال ۱۹۵۳ م. و جلد دوم در سال ۱۹۵۸ بعد از مرگ وی، به کوشش و شرح و توضیح ا.ک. پسرچیک (А.К.Писарчик) چاپ شده است.

جلد اول «تاجیکان وادی خوف» شامل یازده باب و ۲۵۱ صفحه می‌باشد. مؤلف در ابتدا به طور مختصر در بارهٔ دستگاه آوایی گویشوران خوف سخن می‌راند. باب اول کتاب «در بارهٔ نام خوف»، باب دوم «مختصری دربارهٔ ساختار زندگی گذشته بر اساس مدارک تاریخی و روایتهای شفاهی»، باب سوم «تولد، دورهٔ کودکی و آیین‌ها و باورهای مربوط به آن»، باب چهارم «نامگذاری»، باب پنجم «کودکی»، باب ششم «بازیها»، باب هفتم «ازدواج»، باب هشتم «آیین همسررداری»، باب نهم «مرگ، تدفین، آیین‌های یادبود درگذشتگان»، باب دهم «تصویرات در بارهٔ زندگی پس از مرگ»، باب یازدهم «قتل پیران در زمانهای پیشین» می‌باشد. هر یک از این بابها خود به زیرعنوانهای دیگری تقسیم می‌شود که برخی از آنها با درج تصویر، جدول و گاه ضمیمه شرح داده شده است.

جلد دوم «تاجیکان وادی خوف» شامل ده بخش و در مجموع ۵۲۸ صفحه است: بخش اول «کلیاتی در بارهٔ وادی خوف»، بخش دوم «زمینداری»، بخش سوم «دامداری»، بخش چهارم «گاهشماری مردمی و سیستم شمارش محلی»، بخش پنجم «واحدهای وزن»، بخش ششم «کسب و کار»، بخش هفتم «شکار»، بخش هشتم «تجارت»، بخش نهم «خوراک»، بخش دهم «لباس». هر بخش کتاب، نه تنها شامل

زیرعنوانهای جداگانه، بلکه شرح و توضیح مفصل دارد. همچنین برای هر مورد مناسب، تصاویری نیز گنجانده شده است.

در نشر و آماده سازی جلد دوم کتاب «تاجیکان وادی خوف» تلاش همکار او ا.ک. پسرچیک قابل ستایش است. از ۵۲۸ صفحه کتاب دوم، ۲۷۳ صفحه نوشته‌های خود اندریاف است. از صفحه ۲۷۵ تا آخر کتاب توضیحات و علاوه‌های پسرچیک بر این رسال می‌باشد.

اندریاف تمام عمر علمی خود را به گردآوری مواد و بررسی فرهنگ مردم ایرانی‌تبار به خصوص تاجیکان کوهستان بخشید. مواد گردآورده او بیشتر از مناطق گوناگون بدخشان تاجیکستان، بدخشان افغانستان (پنجشیر)، زرافشان، یغنا، بخارا، خجند، سمرقند، جزخ، قراتگین، اوراتپه، نورعطا و مناطق دیگر بود.

آکادمیکها س.ف. آلدینبورگ (С.Ф.Олденбург)، و.و. برتولد (В.В.Бартолд)، ف.ا. شیربتسکی (Ф.И.Шербатский) و ای. کرچکوفسکی (И.Ю.Крачковский) در سال ۱۹۲۹ اندریاف را برای پذیرش به عضویت وابسته آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیشنهاد می‌کنند، چنین می‌نویسند:

«میخائیل اندریاف در شرق متولد شده و تمام عمر در شرق زندگی کرده است... و منصفانه می‌توان گفت که یکی از صاحب‌نظران دقیق حیات مردمان شرق نو، یعنی آسیای میانه و هندوستان می‌باشد. اگر بر این دانش اعلا او، دانستن چندین زبان، لهجه و به خصوص زبانهایی را که ریشه ایرانی دارند اضافه نماییم، در سیمای میخائیل اندریاف شرق‌شناسی را می‌بینیم که یافتن کسی به سان او، همیشه ممکن نیست.

آن نکته‌سنجی و ظرافتی که اندریاف همچون زبان‌شناس در زبان‌شناسی خود نشان می‌دهد، در تمام آثار او نیز رعایت می‌شود که اکثر آنها نمونه عبرت می‌باشند».

جالب آن است که اندریاف بدون هیچ مدرک دانشگاهی و درجه علمی، تنها به واسطه استعداد فوق‌العاده و بی‌نظیر خویش توانست خود را به عنوان یکی از بهترین ایران‌شناسان صاحب‌نظر معرفی نماید.

میخائیل اندریاف با آن که مواد زیادی گردآوری کرده بود و حاصل آن بایستی چندین کتاب و مقاله ارزشمند گردد، اما مرگ این فرصت را نداد و در سال ۱۹۴۸ در شهر استالین‌آباد (دوشنبه) دیده از جهان فرو بست.

برخی از آثار میخائیل اندریاف

1. Андреев М.С. Местности в долине р. Ангrena, интересные в археологическом отношении // «Туркестанские Ведомости», 1893, № 46; Изв. Общ. Истории, археологии и этнографии при Казанском унив. Т. XI в. 6. Казань, 1894.
2. Андреев М.С. Остатки языческих обычаев среди туземцев // «Окраина», 1895, №27 (под псевдонимом «М.А.»)
3. Андреев М.С. Исторические заметки о Ходженте // Справочная книжка Самаркандской области на 1896 г. В. IV. Самарканд, 1896, отд. IV. С. 22-27.
4. Андреев М.С. Местности Туркестана, интересные в археологическом отношении // Протоколы заседаний и сообщений членов Туркестанского кружка любителей археологии. Год I, 1896. С. 3-13. // Средне-азиатский вестник, май, 1896.
5. Андреев М.С. О некоторых интересных в археологическом отношении местностях Кокандского, Ташкентского и Ходжентского уездов. (Реферат доклада; в статье) Археологический кружок // «Туркестанские ведомости», 1896, №17.
6. Андреев М.С. Вахиё // «Туркестанские ведомости», 1899, №93.
7. Андреев М.С. О значении слова «лянгарь» // «Туркестанские ведомости», 1899, № 78 (без подписи).
8. Андреев М.С. По поводу предстоящего 25 мая открытия железнодорожного моста через Аму-Дарью в Чарджуе // «Русский инвалид», 1901, №111.
9. Андреев М.С. Старая киргизская элегия (Упоминание о протоке между Сыр и Аму-Дарьей) // «Туркестанские ведомости». 1902, №1 (под псевдонимом «Алиф»).
10. Андреев М.С. Блины в припамирских странах // «Туркестанские ведомости», 1905, №32.

11. Андреев М.С. Наши товары на рынка Индии // «Туркестанские ведомости», 1908, №89.
12. Андреев М.С. Китай и Индия // «Туркестанские ведомости», 1909, №134 (под псевдонимом «Афанасий Никитин»).
13. Андреев М.С. О наших задачах в Восточном Туркестане // «Туркестанские ведомости», 1909, №53, 55, 56, 57, 60 (под псевдонимом «А-в» и «Афанасий Никитин»).
14. Андреев М.С. Археологические находки. Глиняные гробы // «Туркестанские ведомости», 1910, №32 (под псевдонимом «Афанасий Никитин»).
15. Андреев М.С., Половцев А.А. Материалы по этнографии иранских племён Средней Азии. (Ишкашими Вахан) // Музея антроп. и этнограф. при императ. Академ. наук. Т.1. Выпуск 9. Спб., 1911. С.20-21.
16. Андреев М.С. Дарвазская сказка. (Волшебные предметы) // «Живая старина», 1912. В II- IV. С. 485-488.
17. Андреев М.С. Направление Герат-Кандагар как великий путь будущего // Военная мысль. Ташкент, 1922. С. 61-77 (под псевдонимом «Афанасий Никитин»).
18. Андреев М.С. Вещие сны, несколько примет и детская игра «Сорока-Ворона» среди некоторых народов, главным образом Средней Азии, Материалы по этнографии // Изв. Главн. Среднеаз. музея. В II. Ташкент, 1923. С. 34.
19. Андреев М.С. «Рисаля» кузнечного цеха из северной Индии на языке «пушту» // Туркестанского восточного института в честь А.Э. Шмидта. Ташкент, 1923. С. 9-13.
20. Андреев М.С. Из поездки в 1916 году в Нуратинские горы и прилегающую к ним часть Кызыл-Кумов // Восток, №1(5), январь 1923 г., изд. Студкома Туркестанского восточного института. Ташкент, 1923. С. 17-25.
21. Андреев М.С. Краткие сведения об этнографической экспедиции, предпринятой летом 1924 г. к горным таджикам Матчи, Каратегина, Гиссарского края и Ягноба // Изв. Турк. отд. русск. Географ. общ. Т. XVII. Ташкент, 1924. С. 217-218.
22. Андреев М.С. Некоторые результаты этнографической экспедиции в Самаркандскую область в 1921 году // Изв. Турк. отд. русск. Географ. общ. Т. XVII. Ташкент, 1924. С. 121-140.
23. Андреев М.С. Прозвища жителей различных селений в Матче (верховья р. Зарешана) // Докл. АН СССР – В, 1924, октябрь-декабрь. С. 173-176.
24. Андреев М.С. Деревянная колонна в Матче // Изв. Академии истории материальной культуры. Т. IV. Л., 1925. С. 115-118.
25. Андреев М.С. Из результатов экспедиции в Кызыл-Кумы. О колодцах в Кызыл-Кумах и их постройке // Бюлл. Среднеаз. гос. унив., №9. Ташкент, 1925. С. 204-205.
26. Андреев М.С. По этнографии таджиков. Некоторые сведения //

- Таджикистан. Ташкент, 1925. С. 151-177, с приложением карты.
27. Андреев М.С. Выработка железа в долине Ванча (верховья Аму-Дарьи) // Из материалов, собранных Экспедицией общ. для изучения Таджикистана и Средазкомстариса, бывшей в Таджикистане летом 1925 г. Ташкент, 1926. 17с.
 28. Андреев М.С. К материалу по средне-азиатской керамике // Запись Экспедиции от Общ. для изучения Таджикистана и Средазкомстариса, работавшей в пределах Таджикистана летом 1925 года. Ташкент, 1926. 18 с.
 29. Андреев М.С. Вариант сказки о «Царевне-Лягушке» из долины Хуф (Рушан, верховьях р. Пянджа) // Докл. АН СССР – В, 1927, №7. С. 133-137.
 30. Андреев М.С. По поводу процесса образования примитивных средне-азиатских древних цехов и цеховых сказаний (рисаля) // «Этнография». Кн. IV, 1927, №2. С. 323-326.
 31. Андреев М.С. По этнологии Афганистана. Долина Панджшир (Материалы из поездки в Афганистан в 1926 году). Ташкент, 1927. 101 с.
 32. Андреев М.С. Краткий отчет по экспедиции в Таджикистан в 1925 г., посланной Общ. для изучения Таджикистана и Среднеаз. комитетом по охране памятников природы, старины и искусства // По Таджикистану. В. 1. Ташкент, 1927, 26 с.
 33. Андреев М.С. Из материалов по мифологии таджиков // По Таджикистану. Ташкент, 1927. С. 77-83.
 34. Андреев М.С. Средне-азиатская версия Золушки (Сандрильоны). Святая Параскева-Пятница. Диу-и Сафид // По Таджикистану. Ташкент, 1927. С. 60-76.
 35. Андреев М.С. Чильтаны в средне-азиатских верованиях // В.В.Бартольд. Ташкент, 1928. С. 334-348.
 36. Андреев М.С. Экспедиция в Ягноб 1927 года под руководством М.С. Андреева // Бюлл. Среднеаз. гос. унив., №17. Ташкент, 1928 С. 162-171.
 37. Андреев М.С. Орнамент горных таджиков верховьев Аму-Дарьи и киргизов Памира. Ташкент, 1928. 41 с.
 38. Андреев М.С. Поездка летом 1928 года в Касанский район (Север Ферганы) // Изв. Общ. для изучения Таджикистана и иранских народностей за его пределами. Т. 1. Ташкент, 1929 С. 109-128.
 39. Андреев М.С. Краткий обзор некоторых особенностей таджикских говоров (Материалы). Сталинабад – Ташкент, 1930. 65 с.
 40. Андреев М.С. Язгулёмский язык. Таблицы глаголов (1904 г.). Л., 1930.
 41. Андреев М.С. Религиозные верования таджиков // С.П.Толстов, Религиозные верования народов СССР. Т.1. М.-Л., 1931. С.333-364.
 42. Андреев М.С. Легенды и предания // «Литературный Узбекистан». Кн.111. 1936. С. 137-143.
 43. Андреев М.С. О таджикском языке настоящего времени //

- Материалы по истории таджиков и Таджикистана. Сталинабад, 1945. С. 56-70.
44. Андреев М.С. Чум – бывшее жилище киргизов Памира // Белек, посвященном. С.Е.Малову. Фрунзе, 1946. С. 16-17.
45. Андреев М.С. Таджики верховьев Оксуса (Аму-Дарьи). Материалы по изучению истории, культуры, быта и языков древних таджиков. Долина Хуф. Быт и язык. Ч. 1 В. 1. // Рефераты научно-исследовательских работ за 1945 г. Отделение литературы и языка АН СССР, М.-Л., 1947. С. 42-48.
46. Андреев М.С. Ирано-египетские параллели. Объяснение изображения третьего лица египетской триады, бога Нила, на почве восточно-иранских материалов // Рефераты научно-исследовательских работ за 1945 г. Отделение литературы и языка АН СССР. М. – Л., 1947. С. 48-49.
47. Андреев М.С. К характеристике древних таджикских семейных отношений // Изв. ТФАН СССР, № 15. Сталинабад, 1949. С. 1-19.
48. Андреев М.С. Новые данные по установлению значения слова «Фергана» // Сообщ. ТФАН СССР. В XXIV. Сталинабад, 1950. С. 35-37.
49. Андреев М.С. О первоначальном способе добывания огня в Средней Азии и в сопредельных с нею странах // Тр. ТФАН СССР. Т. XXIX. Сталинабад, 1951. С. 75-87.
50. Андреев М.С. Таджики долины Хуф (верховья Аму-Дарьи). В. 1. Материалы к изучению культуры и быта таджиков. Институт истории, археологии и этнографии АН Таджикской ССР, ТР АН Таджикской ССР. Т. 7. Сталинабад, 1953.
51. Андреев М.С. Старинные свитки-альбомы из Бухары с образцами архитектурного орнамента // Изв. Отд. общ. наук АН Таджикской ССР. В. 10-11. Сталинабад, 1956. С. 121-136.
52. Андреев М.С., Пещерева Е.М. Ягнобские тексты. С прил. Ягонбчкого-русского словаря. Сост. М.С.Андреев, В.А.Лившиц и А.К.Писарчик. М.-Л.: Изд-во АН СССР, 1957.
53. Андреев М.С., Пещерева Е.М., Писарчик А.К. Ягнобско-русский словарь // Ягнобские тексты. М.-Л., 1957 С. 217-391.
54. Андреев М.С. Таджики долины Хуф (верховья Аму-Дарьи). В. II. Материалы к изучению культуры и быта таджиков, подготовлен к печати и снабжен примечаниями и дополнениями А.К. Писарчик. Институт истории, археологии и этнографии АН Таджикской ССР, Тр. АН Таджикской ССР. Т. LXI. Сталинабад, 1958.
55. Памяти Михаила Степановича Андреева. Сборник статей по истории и филологии народов Средней Азии. Сталинабад, 1960.
56. Андреев М.С. Материалы по этнографии Ягноба. Душанбе: Дониш, 1970.
57. Акрамов Н.М., Акрамова Х.Ф. М.С.Андреев – таджикотчи таърихи тоҷикони кӯхистон. Душанбе: Ирфон, 1977.